



روزنامهء خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

(از ربیع الاول ۱۳۰۸ الی ربیع الثانی ۱۳۰۹ ق.)

پژوهنده میراث فرهنگی و گردشگری

تصحیح و ویرایش

مجید عبدامین - نسرين خليلی

۱۳۹۴

سرشناسه: ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران. ۱۲۴۷-۱۳۱۳ق.
عنوان و نام پدیدآور: روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار (از ربیع الاول ۱۳۰۸ تا ربیع الثانی ۱۳۰۹ هجری قمری/ تصحیح و ویرایش: مجید عبدامین و نسرین خلیلی.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ایران، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۳۹۶ ص (انتشارات)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۵۳-۵۰-۲
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا: فیبای مختصر
کتابنامه

۱ - خاطرات روزانه ناصرالدین شاه قاجار ۲ - ایران، تاریخ قاجاریه، ۱۳۰۸-۱۳۰۹ق.
شناسه افزوده: عبدامین، مجید ۱۳۴۱
شناسه افزوده: خلیلی، نسرین ۱۳۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۶۶۶۵



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ق.)

تألیف: ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۱۳-۱۲۴۷ق.

تصحیح و ویرایش: مجید عبدامین و نسرین خلیلی

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

نظارت فنی: جمشید کیانفر

ناظر چاپ: محمود سلیمی

چاپ اول: ۱۳۹۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: احمدی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۵۳-۵۰-۲

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، میدان امام خمینی (ره)، خیابان امام خمینی (ره)، خیابان سی تیر، محوطه موزه ملی،

تلفن: ۶۶۷۳۷۰۰۳-۸۸۹۳۴۶۹۲

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پست الکترونیکی: ch.publish@yahoo.com

وب سایت: www.rchtobook.ir

فهرست مندرجات

ديباچه

پيشگفتار

مقدمه

۱	ربيع الاول ۱۳۰۸ ق.
۲۹	ربيع الثانى ۱۳۰۸ ق.
۵۹	جمادى الاول ۱۳۰۸ ق.
۹۹	جمادى الثانى ۱۳۰۸ ق.
۱۳۳	رجب المرجب ۱۳۰۸ ق.
۱۵۹	شعبان المعظم ۱۳۰۸ ق.
۱۸۹	رمضان المبارک ۱۳۰۸ ق.
۲۰۱	شوال المكرم ۱۳۰۸ ق.
۲۱۹	ذيقعدہ ۱۳۰۸ ق.
۲۳۳	ذیحجه ۱۳۰۸ ق.
۲۷۳	محرم الحرام ۱۳۰۹ ق.
۲۹۱	صفر المظفر ۱۳۰۹ ق.
۲۹۷	ربيع الاول ۱۳۰۹ ق.
۳۲۳	ربيع الثانى ۱۳۰۹ ق.

فهرست ها

۳۲۹	فهرست اسامى اشخاص
۳۴۶	مدنى، اجتماعى، ادارى
۳۵۶	اسامى جغرافيايى

۳۶۴ طوایف، ایلات، خاندان‌ها و مذاهب
۳۶۶ گیاهان، نباتات و میوه‌جات
۳۶۸ حیوانات و جانداران
۳۷۰ کتب و روزنامه‌جات
۳۷۱ لیست تغییرات و اصلاحات
۳۸۰ نمونه دستخط‌ها
۳۸۴ طراحی‌ها و تصاویر
۳۹۳ منابع

www.ketab.ir

دیباچه

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی می‌باشد که علیرغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی، به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهن‌سال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده، و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور، فعالیت هر پژوهشکده پژوهشگاه میراث فرهنگی، بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی، حسب تکلیف تعیین شده بر آن متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی، استقرار یافته در منطقه نیز تأمل نمود.

با نگرش سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن، و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پررنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای از یاد رفته این مرز و بوم و هم‌چنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده تحقیقات معمول شده در هر یک از پژوهشکده‌ها، به ویژه آثاری که حاصل تبعات مشترک پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی

و آموزش هم‌تراز بین‌المللی به صورت ممکن در وضعیت نشر قرار گیرند که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش، به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه استراتژی پژوهشگاه، در راستای چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

بار دیگر اذعان می‌نمائیم، پژوهش، عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده، اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه، می‌تواند عامل مؤثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه ساختن برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران باشد.

به علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تأثیرگذار بر آن، حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد؛ لذا پژوهشگاه بر آن است، با همکاری پژوهشگران و استادان، این رسالت را انجام دهد و امیدوار است با حرکت در این مسیر، دست هم‌یاری و همراهی شما را در دست گرفته، تا بتواند گام مؤثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

هو اللطيف

بزنگاه بی ارادگی ناصرالدین شاه

وقتی قرار شد بر کتابی که در دست دارید گشایش‌نامه‌ای بنویسم؛ با تورقی اندک در صفحات آن، به فکر فرو رفتم. این سؤال برایم پیش آمد که ناصرالدین شاه این یادداشت‌ها را برای چه کسی نوشته است؟ آیا آدم‌ها این قبیل گزارشات و روزنامه‌خاطرات را که از سر حوصله و به دقت نوشته می‌شود، و قرار نیست به نظر دیگری برسد، تنها برای ارضای دل خود می‌نگارند؟ یا نه. قصد دارند هویتی مقبول از خویشان برای نادیدگان ترسیم کنند؟ یا تنها مقصودشان ثبت دیده‌ها و شنیده‌های خود در محضر آیندگان است و برای شهادت واقعیتهایی که ممکن است مغفول بماند آن را بر جای می‌گذارند؟

هر کدام از تعابیر مذکور را که پاسخ بدانیم، با یک حقیقت روبرو هستیم: نویسنده‌ی خاطرات در شرح روزمرگی خود به دنبال گفتن چیزی است که اراده کرده بگوید. در عین حال، از گفتن چیزهایی، به اراده خود پرهیز می‌کند تا بتواند مقصودی که از نگارش داشته را جامه عمل بپوشاند. ناصرالدین شاه نیز در روزنوشته‌های خود عموماً از گزارش برخی موارد خودداری و به جای آن بر بعضی موضوعات تمرکز کرده است؛ مثل اینکه بخش مهمی از یادداشت‌هایش را به تشریح گردش‌ها و شکارها پرداخته، اما با پرده‌پوشی خاصی از بیان مسائل حول حکومت و سلطنت خودداری می‌ورزد.

از طرفی چون مسائل را از منظر خود بیان کرده، وقتی یادداشت‌های او را با دیگر منابع هم‌عصر او همچون روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه مقایسه می‌کنیم، تفاوت‌های جالبی را درک می‌کنیم، و می‌توانیم صحنه را چند بعدی تجسم کنیم؛ مانند ماجرای بگیر و ببندی که نایب‌السلطنه در باب نامه‌های ملک‌خان به راه انداخت (ص ۱۹۸). بنابراین از منظر یک پژوهشگر، این سند از آن جهت واجد ارزش است که شخصیت تاریخی ناصرالدین شاه و دوران او را بهتر به ما می‌شناساند.

اما از این مسئله که بگذریم، ارزش اصلی این نوع مدارک تاریخی در جای دیگری نهفته است؛ یعنی آنجا که ناشی از بی‌ارادگی ناصرالدین شاه است، و آنجا که قصد نداشته تا موضوعی را با ما در میان بگذارد؛ بلکه طی فرآیند صورت‌بخشی به کلمات، لابلای سکوت و سخن، در خلال گفته و ناگفته، و هنگام به سر بردن در فضای متن، ناگزیر از اعلان مسائلی بوده که به نیت و اراده او در بیان مقصود اصلیش کمک می‌کرده است. بدین اعتبار، علاوه بر آنکه ما وجوه دیگری از شخصیت خود ناصرالدین شاه را خواهیم شناخت، نسبت به محیط زندگی او نیز آگاه‌تر خواهیم شد.

از آنجا که این گزارش روز به روز نوشته شده است، نمی‌توانسته بر اساس یک سناریوی از پیش تعیین شده جلو برود؛ شاه یک روز ممکن است متأثر باشد و روزی دیگر خوشحال. بدین ترتیب زوایای پنهان شخصیت او و دورانش بر کنج کاوی ما آغوش می‌گشاید. از همین طریق متوجه می‌شویم که چه کسانی همدم و ندیم شاه بوده‌اند. روابط انسانی‌ای که فارغ از قرارگیری در نقش یک پادشاه با فلان میرآخور و باغبان و غیره برقرار می‌کرده چه کیفیتی داشته است. علی‌الخصوص رابطه پدرانه و عاطفی او با عزیزالسلطان که نوجوانی بیش نبوده، و رابطه محبت‌آمیز او با امین‌اقدس چطور بوده که درون فضای ویژه و مزدحم اندرونی، به یک خانواده کوچک می‌مانند. در عین حال با پوست و گوشت خود حس می‌کنیم که ناصرالدین شاه حق‌در تنهاست؛ گویی حرفهایی که در کتاب به ما می‌گوید نمی‌تواند به نزدیکانش بگوید.

ضمناً به ما نشان می‌دهد که بسیاری از نیک‌سیرتی‌ها و بدجنسی‌های زیردستانش را خوب متوجه است؛ ولی نمی‌بیند آنچه را نباید ببیند و اغماض پیشه می‌کند، آنگاه که ضرورت دارد. وقتی از چیزی خوشش می‌آید ابراز می‌کند. شوخ طبع است و خیلی چیزها را به شوخی از سر می‌گذرانند. مناعت طبع دارد و هزاران دلالت دیگر که اگر با عینک یک پژوهشگر جدی به موضوع نظر افکنیم، حقایق بسیاری درباره اقتضات و ساختارهای حکومت و سلطنت در بافت فرهنگی خود عیان می‌سازد.

شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که باید بدان اشاره کرد، رفتار و کردار او در موقعیت پادشاه است. مقامی که در این یادداشت‌ها بسیار کمرنگ و به شدت پنهان است. گویی خاطرات یک فرد اشرافی را مرور می‌کنیم. ندرتاً با سلطانی مستبد و خودرأی مواجهیم؛ بلکه

ناصرالدین‌شاهی را می‌بینیم، که ابایی ندارد از آنکه بگوید بارها تیر انداخته ولی به هدف نخورده است. شاه بودنش از موضع فاعلانه نیست و میل به دخالت و دستکاری در زمینه را از خود عیان نمی‌سازد. حاکمی است که قدرت و جبروتی از خود نشان نمی‌دهد. به عکس شاعر مسلک و لطیف طبع است (ص ۲۵۰). بسیاری خطاها و خیانت‌ها و دروغ‌ها و سماجت‌ها را به روی خود نمی‌آورد؛ مثل مورد حاجی‌واشنگتن که حاضر شد به خاطر پانصد تومان مستمری برادرش، خیر مجعول مرگ وی را به شاه بدهد. ولی ناصرالدین‌شاه تا مطمئن نشد، مستمری به وی نداد و در عین حال پس از اطمینان، بُخلی در کمک به وی نوریذ (ص ۴۶).

او را می‌بینیم که هر چند زیاد در مورد افراد احساساتش را بروز نمی‌دهد، ولی از جزئیات احوال همه اطرافیان، از کنیز و غلام سیاه تا صدراعظم و جناب آقا باخیر است؛ آنهم نه فقط به صفت خدمتی که می‌کنند، بلکه به حیث شأن انسانی‌ای که دارند. چنین شناختی به ما کمک می‌کند تا تمام قد و بالای ناصرالدین‌شاه را ببینیم و او را به جا بیاوریم؛ نه آنکه تنها دست یا پا، یا گوشه سیلش را خوب بشناسیم و وقتی چشم‌هایش را دیدیم، قادر به تشخیص کیستی او نباشیم. بدین ترتیب در موقعیت‌هایی که اسناد و مدارک کافی در دست نداریم، با مددجویی از الگوهای کنش و واکنشی که کشف کرده‌ایم، می‌توان احتمالی قریب به یقین را در نظر آورد.

لایه‌های متن که بی‌اراده نوشته شده‌اند، موجب کشف و شناخت محققانه نسبت به محیط زیست ناصرالدین‌شاه نیز می‌شود. اعلام منعکس در کتاب، داده‌های ذقیمتی به پژوهشگران می‌دهد. این نوشته‌ها مملو است از نام کسان و جایها؛ زیرا به دقت از اطرافیان خود یاد و احوال ایشان را به تفصیل بیان کرده است. وقتی شکاری را گزارش می‌کند، نام عوارض طبیعی و قراء و درختان و جانوران و بسیاری موارد را آشکار می‌سازد، تا مخاطبش را همراه کند. چه بسا امروز بسیاری از آن نام‌ها مهجور شده‌اند، و اغلب آن جانوران به دوردست‌ها پناه برده‌اند و اسم بسیاری از همراهانش در جایی دیگر ثبت نشده است.

در حین مرور این خاطرات، اطلاعات فراوانی درباره زبان مکالمه روزمره مردم تحصیل کرده کسب می‌کنیم. متوجه می‌شویم نظریه‌هایی که درباره زبان و نثر متکلف دیوانی

دوره قاجار ابراز شده‌اند، چندان فراگیر و به واقعیت مقرون نیست؛ زیرا مخاطب عادی هم امروز با نوشته‌هایش - پس از یکصد و اندی سال - ارتباط برقرار می‌کند و اصطلاحات ناآشنا در آن کمیاب است و نشان می‌دهد که به زبانی شفاف و بی‌تکلف تکلم می‌کرده‌اند. ذکر موقعیت‌ها در کتاب تا چه اندازه به شناخت اصول و سنت‌ها و روش‌های تاریخی یاری می‌رساند، و چطور به آشکار شدن بسیاری مجهولات در زمانه‌ای که اسب و سواری و گشت در صحرا را یکسر کنار نهاده‌ایم کمک می‌کند؛ از قبیل آداب و اقتضائات شکار، انواع اسبهای ایرانی، مناسبات انسان و اسب نزد ایرانی‌ها، پرورش دام‌هایی مثل گاو سیستانی و شتر کلّانی، صید و اسلحه، اردو زدن، خیمه و چادر، معماری موقت و غیره. یا توصیفی که از مراسم تعویه و عزاداری سالار شهدا در تکیه دولت می‌کند، اطلاعات جالبی از مناسبات و ترتیبات درباره بنایی که تنها بخشی از شالوده آن باقی مانده فراهم می‌آورد.

این نوشته‌ها نه تنها شناخت ناصرالدین شاه از محیط و سرزمین خودش را در جایگاه حاکم نشان می‌دهد؛ بلکه بر ما نکات گوناگونی در جهت آگاهی از کجا بودن آن جا، و وقوف بر کیفیت مادی و معنایی‌اش را معلوم می‌سازد؛ مثل قسمتی که درباره کلاه ابری قلّه دماوند سخن می‌گوید، بدون اراده به اهمیت این نشانه نزد تهرانی‌ها برای پیش‌بینی بارندگی اشاره می‌کند. همچنین حساسیت وی راجع به موضوع آب و بارندگی و آنجا که می‌گوید هر قطره این باران یک اشرفی می‌ارزد (ص ۴۴)؛ برای کسی که هزار سال دیگر به این متن مراجعه کند، گویای وجهی مهم از مختصات طبیعی و فرهنگی این سرزمین است.

مثال‌هایی از این دست بسیار می‌توان ذکر کرد؛ از تعریف باغ مطلوب تا گل‌هایی که می‌کاشتند. از مسائل معماری تا انواع خوراکی‌ها. از روابط با همسرانش تا طرز برگزاری جشن‌ها و عزاداری‌ها. پس در مجموع ما می‌توانیم در مواجهه با چنین آثاری خود را در معرض سه نوع قرائت از متن قرار دهیم: اول، قرائتی که شخصیت ناصرالدین شاه را آنطور که خودش اراده کرده بر ما آشکار می‌کند. دوم شخصیت ناصرالدین شاه را، در آینه وجه غیرارادی متن به ما می‌شناساند؛ و سوم، محیط فرهنگی او را بدون اینکه وی اراده کرده باشد بر ما آشکار می‌سازد.

طبیعتاً قرائت نوع اول آسان‌تر و ظاهرتر است. ولی کسانی که کتاب را بخوانند و تنها به وجه ارادی آن اکتفا کنند، آن را حرام کرده‌اند و تنگ‌نظری از خود بروز داده‌اند. حین خواندن این کتاب قرار نیست به تجلیل یا تقبیح اعمال ناصرالدین‌شاه بنشینیم؛ بلکه به تحلیل سندی می‌پردازیم که وی از خود به جای گذاشته است. حیف است توقف در مرتبه سواد و ظاهر. آنچه از روی بی‌ارادگی در متن منعکس می‌شود، در بازخوانی چنین آثاری اهمیتی به مراتب بیشتر دارد؛ زیرا در عمل عاری از خطاست. به عبارت دیگر انسان در ساحت بی‌ارادگی، دیگر جایزالخطا هم نیست. هرچه ما به قرائت نوع سوم نزدیک می‌شویم، پژوهش دشوارتر، اما نتایج حاصل از آن مفیدتر خواهد بود. این نگاه مستلزم بصیرت باستان‌شناسانه نسبت به کتاب، به مثابه یک ماده فرهنگی است. نوشته از این منظر، حاوی بسیاری نکته‌هاست که بود یا نبودشان حائز اهمیت است. هرچه به عمق بیشتری از ظرفیت این سند غوص کنیم، گهرهای نایاب‌تر و گران‌بهارتری صید خواهیم کرد. زیرا به عرصه بینش ایرانی راه یافته و شناخت بهتری از کیستی خود و کجایی سرزمینمان پیدا خواهیم کرد.

در پایان بر خود لازم می‌بینم که زحمات جناب عبدالمین برای تدوین این کتاب را ارج بنهم. چه زحماتی که ایشان طی سال‌های متمادی برای استخراج و تصحیح این متون با ارزش کشیدند، در فهرست اعلام مبسوط و پانویس‌های به جا و دقت فراوان و حوصله بسیاری که هر صفحه کتاب بدان شهادت می‌دهد، آشکار است. همچنین به مدیران مجموعه کاخ گلستان در چند سال اخیر دست مریزاد می‌گویم؛ هم به جناب آقای مسعود شریفی که فرصتی مناسب برای دسترسی و استنساخ دفترچه‌ها فراهم کردند و هم سرکار خانم پروین نقه‌الاسلام که پشتیبان چنین حرکت علمی‌ای بوده و هستند.

سید محمد بهشتی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی

وگردشگری

تیرماه ۱۳۹۴

مقدمه

در عرصه تاریخ معاصر ایران، ناصرالدین شاه قاجار را یکی از سلاطین پرنویس و اهل فضل و ادب برمی‌شمارند. به حقیقت این جمله درست است که این پادشاه، هم کتاب‌دار بود و هم کتاب‌خوان، و هم در زندگی خویش سعی بر آن نمود تا آثار مکتوبی از خود برجای گذارد. آنچه مسلم است، تعداد زیادی از دست‌نوشته‌ها و مکتوبات او در آرشیوهای عمومی و خصوصی وجود داشته که به دست پژوهش سپرده شده و پس از استنساخ به طبع رسیده‌اند؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که تعداد زیادی از این دست‌نویس‌ها نیز در کنج مراکز آرشیوی وجود دارند که پژوهشی بر روی آنها صورت نگرفته و لازم است تا این اسناد نیز مورد واکاوی قرار گرفته و به جهت استفاده محققین و پویس‌گران عرصه تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین به عرضه عمومی گذارده شود. این نکته همواره قابل توجه است که آنچه از این پژوهش‌ها استخراج می‌شود؛ می‌تواند برخی زوایای مبهم تاریخ معاصر ایران را روشن ساخته و به بخشی از پرسش‌ها درباره روابط اجتماعی-سیاسی و حتی فرهنگی آن دوران پاسخ گوید.

کاخ گلستان که از حدود یک قرن و نیم پیش مرکز وقایع ریز و درشت تاریخ معاصر ایران بوده است، همواره از عصر ناصری به این سو، مخزن نفایس فراوانی گردیده که برای برخی از آنها نظیر کتابخانه ارزشمند سلطنتی و یا مرکز اسناد خطی آن، نمی‌توان ماندی در دیگر مراکز فرهنگی و آرشیوی کشور جستجو کرد.

از همان عصر ناصری و به دستور ناصرالدین شاه، اسناد سلطنتی و یا به قول محقق فقید سید احمد خان ملک حسینی ساسانی، انبوخته‌های دولتی؛ هر سال در عید نوروز به ملک الشعرا و صحاف باشی سپرده می‌شد، تا آنها را مرتب نمایند و دفاتری بسازند ارزنده؛ که مانند یک بایگانی دقیق، تمام نوشته‌جات حکومتی را در خویش جای دهد.

این رویه، پس از ترور ناصرالدین شاه در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم^ع در سال ۱۳۱۳ هجری قمری نیز پی گرفته شد و تمامی این مکتوبات و اسناد و دفترچه‌های مختلف، در جمع آرشیو کتابخانه سلطنتی درآمد. این وضعیت ادامه داشت، تا در اواخر حکومت سلسله قاجاریه، دفتر ضبط و ثبت اسناد دولتی ایجاد گردید و این نوشته‌ها و دفاتر به آن منتقل شد؛ ولی متأسفانه بعدها قسمت اعظمی از آن از جایگاه اصلی خود- کاخ گلستان- خارج شده و در آرشیوهای دیگری قرار گرفت. در میان این اسناد، دفاتری به خط شاه قاجار، از سفرنامه‌ها و یادداشت‌ها و خاطرات روزانه وجود داشت که شاه یا خودش نگاشته بود، یا برایش می‌نگاشتند. آنچه از کاخ گلستان خارج شد، در آرشیوهای دیگر کشور مورد پژوهش قرار گرفته و برخی نیز چندین نوبت به چاپ رسیده‌اند، اما آنچه در آرشیو کاخ گلستان موجود بود، جز یکی دو مورد، دست نخورده باقی ماند تا روزی که دست همت کوششگران، آنها را به دست گرفته و به جامعه عرضه نمایند.

کتاب حاضر حاصل یکی از این کوشش‌ها است که به دست افرادی از جنس خود کاخ گلستان و از اعضای خانواده همین مجموعه ارزشمند وقایعی را بیان می‌کند که از پس ابرهای تردید و تاریکی، صبح امید را مژده می‌دهد. وقایع تاریخی ناب و دست‌نخورده‌ای که بیش از یک قرن در این دفترچه آرام گرفته بودند، اکنون در حال بازگو کردن حقایق نهفته در دل اوراق خویش هستند و این، چه زیاست که با آنها می‌توان قدم به گذشته نهاد و در کوچه‌های تاریخ قدم گذاشت و شنیده را به چشم خویش مشاهده کرد. امید که این کوشش، از جامعه فرهنگی مجموعه کاخ گلستان، مطلوب طبع ظریف خوانندگان گرامی قرار گیرد.

کتابی که اینک پیش روی علاقمندان قرار دارد، نخستین کتابچه از مجموعه خاطرات روزانه ناصرالدین شاه قاجار، مربوط به سالهای پایانی حیات وی، موجود در مخزن اسناد خطی کاخ موزه گلستان می‌باشد که در قالب کتابچه‌هایی با ترتیب زمانی زیر تحریر گردیده است:

کتابچه اول، (کتاب حاضر) شامل خاطرات روزانه ناصرالدین شاه، از ربیع الاول ۱۳۰۸ تا ربیع الثانی ۱۳۰۹ ق.

کتابچه دوم، خاطرات روزانه شاه، از ربیع الثانی ۱۳۰۹ تا صفر سال ۱۳۱۰ ق. به انضمام شرح کامل سفرنامه عراق عجم، شرح سرقت از تخت تاریخی طاووس؛ وقایع پس از قرارداد رژی و تحریم تنباکو و همچنین شرح وقایع مربوط به درگیری قوای دولتی با قوای سیدمحمدکلاردشتی.

کتابچه سوم و چهارم، خاطرات روزانه ناصرالدین شاه مربوط به دوره زمانی صفر ۱۳۱۰ تا جمادی الثانی ۱۳۱۲ ق. (در یک مجلد)

کتابچه پنجم، خاطرات روزانه ناصرالدین شاه از جمادی الثانی ۱۳۱۲ تا جمادی الثانی ۱۳۱۳ ق.

و بالاخره کتابچه ششم، شامل خاطرات وی در دوره زمانی جمادی الثانی ۱۳۱۳ ق. الی ۱۵ ذی قعدة همان سال و تا چهل و هشت ساعت قبل از ترور وی؛ که به عنوان آخرین مجلد از مجموعه خاطرات ناصرالدین شاه، دارای اهمیت خاص و ویژه می باشد. امید است این مجموعه به زودی و به ترتیب تقدم زمانی، در دسترس علاقمندان قرار بگیرد. ناصرالدین شاه، در راه بازگشت از سفر سوم فرنگستان و در هنگام خروج از شهر بوداپست مجارستان، دفتر خاطرات روزانه جدیدی را در دست می گیرد که این دفتر را تا زمان ورود به طهران و سپس عزیمت به شهرستانک و سلطنت آباد و از آنجا عزیمت به ورجین و حیدرآباد به قصد شکار و تفریح ادامه داده و خاطرات خود را تا روز پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۸ ق. در آن دفتر ثبت می کند. سپس از شب سوم ربیع الثانی ۱۳۰۸ ق. دفتر خاطرات حاضر را در دست گرفته و در محل اطاق برلیان کاخ گلستان تهران، شروع به نگارش این کتابچه نموده است که در ادامه، شرح وقایع روزانه وی، تا اواسط ربیع الثانی ۱۳۰۹ ق. ادامه می یابد.

در کتابت این اثر، به غیر از مطالبی که به خط شخص شاه می باشد و ما به جهت تشخیص آنها توسط خوانندگان گرامی، این قسمت ها را با حروف کوچکتر مشخص کرده ایم، مابقی رسم الخطها مربوط به کاتبین درباری می باشد که به طور مشخص کتابت این کتابچه بر عهده میرزا احمدخان مشیرحضور، حاجی ابوالحسن خان فخرالملک و میرزاهدی خان آجودان مخصوص، سه تن از خواص و نزدیکان ناصرالدین شاه بوده است. به جهت آشنایی خوانندگان گرامی با سبک و شیوه نگارش ایشان، نمونه ای از دستخط ایشان را در بخش دستخطها در آخر کتاب ارائه نموده ایم.

توصیف دفترچه خاطرات روزانه ناصرالدین شاه قاجار

(مربوط به بازه زمانی ربیع الاول ۱۳۰۸ تا ربیع الثانی ۱۳۰۹ ه.ق. مقارن با نوامبر ۱۸۹۱ الی سپتامبر ۱۸۹۲ م. و آبان ۱۲۷۰ لغایت شهریور ۱۲۷۱ ه.ش.)

جلد:

جلد مقوایی لایه دار، روکش چرم، قهوه‌ای سوخته، کمی در اطراف زدگی دارد و کهنه و مندرس شده است. دفترچه فرنگی ساز، به ظاهر ابتیاعی شاه از فرنگستان. در برخی قسمت ها پارگی دارد که از زیر چرم، مقواها پیدا شده‌اند. در ابتدا قفل دار بوده که قفل آن به طرز بد شکلی کنده شده است و آثار این کندگی بر آن هویدا است.

عرض جلد: ۱۳/۵ cm

طول جلد: ۲۰/۲ cm

عطف: ۲/۵ cm

روی عطف برچسب سفید با حواشی سبز کمرنگ. روی آن؛ شماره ۱۵ به رنگ سبز کم رنگ، و با قلم ریز مشکی عبارت: "شماره جدید/۶۰" مشاهده می شود. اندرون جلد با کاغذ ابرو باد، هر دو سوی، هم پشت و رو، هم آستر و هم بدرقه، کاغذ ابرو باد آن فرنگی الوان است.

ورق:

سفید رنگ، حواشی کمی رنگ زرد پیدا کرده، نقش آب (واترمارک) ندارد، کاغذ آن فرنگی و با علائم راده است. لبه‌های کاغذ هم ابر و باد فرنگی ساز است. تمام صفحات همراه با علائم راده عمودی است.

حواشی، در تمامی موارد به خط شاه است.

عدد اوراق نوشته شده: ۱۳۰ برگ

عدد اوراق نانوشته و سفید: ۲ برگ

اندازه اوراق:

طول: ۱۹/۵ cm

عرض: ۱۲/۵ cm

عدد سطور: متفاوت و متغیر است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم. من كتب بسم الله به حسن الخط؛ وجبت لهم الجنة، لهو الجنة. در سفر فرنگستان ثالث، سه کتابچه دست گرفت، روزنامه نوشتم...
انجام: انشاء الله دو روز دیگر می‌خواهیم مردانه به شهریار و علی‌شاه عوض برویم؛ انشاء الله. سنه ۳۰۹، توشقان‌نیل، اواسط عقرب، ۶ ربیع‌الثانی.

روش تصحیح

در تصحیح این کتاب از رسم‌الخط متعارف و مرسوم امروزی تبعیت شده است؛ لذا تمامی کلمات - به ویژه از جنبه پیوسته‌نویسی و جدانویسی - با رسم‌الخط امروزی تحریر گردیده است. همچنین متن اصلی فاقد علائم سجاوندی و عدم رعایت قواعد پاراگراف‌بندی بوده که در بازنویسی، کلیه این موارد رعایت گردیده است. کلماتی همچون برخواستم، خاندم، نهار، برخواستن، خاندن، خوابیدن و از این دست، به رسم‌الخط متعارف کنونی تغییر یافته است.

هرجا افزودن کلمه یا حرفی بایسته دیده شد، آن را در میان دو چنگک [] قرار دادیم. کلمات و جملات معترضه را در میان دو خط - - و واژه‌های مغلوط فارسی-عربی، همچون: مستعدالزفتن و یا شوخیتا، به علت اجتناب از دست بردن در متن سند و عدم امکان جایگزینی واژه‌ای مناسب، به همان صورت اصلی بازنویسی شده است.

در بعضی از قسمتهای نسخه، در نگارش واژگان، اشتباهاتی صورت گرفته که ضمن تصحیح این موارد، در بخش اصلاحات و تغییرات، نوع تغییر و صفحه و سطر مربوط به آن نیز مشخص شده است.

همچنین در طول کتاب، با چندین مورد استفاده از کلمات نامناسب و خلاف شئون اخلاقی مواجه بوده‌ایم که به سبب حفظ قداست قلم، آن موارد را حذف نموده و تعداد کلمات محذوف و مکان آن را در پانویس همان صفحه ذکر نموده‌ایم.

موارد استفاده از آکلدها {} و پرانتزها () به پیروی از اصل سند بوده است.

کوشش شده تا جمله‌ها و عبارات را از نظر شیوه چاپ و صفحه‌بندی و نقطه‌گذاری، به آرایش پسندیده‌ای درآوریم که هم از دید کلی و هم از جهت زیباتر شدن صفحات، با وضع قبلی متفاوت باشد.

مطالبی که در نسخه اصلی، توسط شخص شاه تحریر شده است را در کتاب با فونت ریزتر و فشرده‌تر نشان داده‌ایم، تا از خط دیگر کاتبان کتاب قابل تشخیص باشد.

با توجه به مراجعه محققین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف به این چنین کتابهائی، فهرست‌هائی مختلف و متنوع، همچون اسامی اشخاص، اسامی جغرافیائی، مدنی، اجتماعی و اداری، طوایف، ایلات، خاندانها و مذاهب، گیاهان، نباتات و میوه‌جات، حیوانات و جانداران، و در آخر نیز اسامی کتب و روزنامه‌جات تهیه و در اختیار محققین گرامی نهاده شده است.

تقدیر و تشکر

در انتها جا دارد تا سپاس و تقدیر خود را نثار کنیم به بزرگوارانی که به اشکال مختلف و با کمک خود ما را در پوشانیدن لباس تدوین به این اثر یاری نمودند. سپاس بیکران داریم از جناب آقای مهندس سیدمحمدبهشتی ریاست محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی که با حمایت و پشتیبانی مؤثر خود، زمینه انتشار این کتاب را فراهم نمودند. تشکر خاص داریم از سرکار خانم پروین فقه‌الاسلام مدیر محترم کاخ موزه گلستان. همچنین از پرسنل محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و به ویژه سرکار خانم مهدی آبادی مدیر مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. تشکر فراوان داریم از جناب آقای مهندس مسعود شریفی، مدیر وقت کاخ گلستان.

همچنین امتنان خود را از جنابان آقایان جمشید کیانفر، رضا کسروی، شهرام امینیان، اشکان امینیان، محمدرضا بهزادی، سیدرضا موسوی میرکلا و دیگر عزیزانی که باراهنمائی‌های خود، ما را در به ثمر رساندن این اثر ارزشمند یاری نمودند اظهار می‌کنیم.

این اثر را تقدیم می‌کنیم به تمامی پویش‌گران و علاقمندان عرصه تاریخ و فرهنگ ایران زمین و تقاضا می‌کنیم، خطاها و لغزش‌های احتمالی را به ما یادآور شوند و ما را از راهنمائی‌های کارشناسانه خود بهره‌مند سازند. و آخر کلام:

والحمد لله الذی ارسل الینا رسولا حامل کتاب و کتابه ام الكتاب والسلام علی من اتبع
سبیله و کتابه.

نسرین خلیلی

امین اموال مرکز اسناد خطی کاخ گلستان

تیرماه ۱۳۹۴